

جایگاه ترکیه در مناقشات متعارضین در بحران سوریه

روژان حسام قاضی^۱

مهدی نوری^۲

تاریخ پذیرش ۹۶/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۲۰

چکیده

شرایط جغرافیای سیاسی سوریه به گونه ای است که منافع کشورهای قدرتمند جهانی و منطقه ای همچون ترکیه و غرب و اسرائیل از یک سو و حامیان سوریه همچون چین، روسیه و ایران از سوی دیگر در آن گره خورده است و این موضوع بحران سوریه را بویژه در دوران پساداعش با پیچیدگی های روبرو کرده است. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که رویکرد امنیتی و سیاسی و اقتصادی دولت ترکیه در ورود به بحران سوریه و دستاوردهای آن برای منافع ملی دولت ترکیه چه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که ترکیه با تقویت جبهه داعش در مناقشه سوریه در ابتدای امر به دنبال افزایش نفوذ سیاسی-اقتصادی-امنیتی خود در سوریه بوده است. این مسئله توازن معادلات قدرت در منطقه را دچار دگرگونی های اساسی کرده است. در این فرایند قدرت، ترکیه به دلیل ویژگی های ساخت قدرت خود و جایگاهی که در نظام بین الملل دارد، خواهان حضور و ایفای نقش فعال تری در مسایل منطقه خاورمیانه و کشور های اسلامی است. کلیدواژه گان: بحران، سوریه، ترکیه، گروه های معارض، ایران، داعش

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رباط کریم، rhesam189@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد، ملارد،

mahdi.n2685@gmail.com

مقدمه

همراه با عصر جهانی شدن حقوق بشر و در سیر تحولات جدید در حقوق بین الملل بشردوستانه، جامعه بین الملل جهت حمایت از عدالت و حقوق بشرقاعده جدیدی تحت عنوان دکترین "مسئولیت حمایت" را پایه ریزی نموده است. که بر اساس این دکترین که در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند اجلاس سران در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید «مسئولیت حمایت» بر این اصل استوار است که حق حاکمیت، یک "امتیاز ویژه" نیست، بلکه یک "مسئولیت" است که حاکمان نسبت به مردم خود دارند و اگر حکومتی چنین مسئولیتی را نپذیرد و علیه مردمان خود به جنگ و کشتار دست بزند، جامعه بین الملل *یاست پژوهی* حق دخالت دارد. این دخالت می تواند اشکال متفاوت سیاسی، اقتصادی و حقوقی داشته باشد و نهایتاً می تواند در حمایت از مردم ستمدیده به دخالت نظامی بینجامد. ولی آنچه این نوع تصمیمات از سوی برخی دولت ها و نظام های حکومتی تحت عنوان سیاست خارجی اعلام و اجرا می شود، مبتنی بر نظریات مختلفی است که از سوی اندیشمندان روابط خارجی از جمله نوواقع گرایی اعلام و اجرا می شود.

بنابراین طی این پژوهش این سوال مطرح می گردد که رویکرد امنیتی و سیاسی و اقتصادی دولت ترکیه نسبت به بحران سوریه و دستاوردهایی آن برای منافع ملی دولت ترکیه چه بوده است؟ و در پاسخ این سوال این فرضیه مطرح شده است که ترکیه با تقویت جبهه داعش در مناقشه سوریه در ابتدای امر به دنبال افزایش نفوذ سیاسی - اقتصادی - امنیتی خود در سوریه



بوده است؛ چراکه ترکیه از یک سو با تقویت جبهه مخالفین بشاراسد من جمله داعش به دنبال سقوط اسد و افزایش نفوذ سیاسی - امنیتی خود در سوریه برای مقابله با نفوذ منطقه ای ایران بوده است و از سوی دیگر، به دنبال کاهش قدرت گیری و نفوذ کردهای سوریه در مرزهای ترکیه و سوریه می باشد.

نواقع گرایان علت این رفتار را ماهیت نظام بین الملل و محدودیت هایی می دانند که برای کشورهای مختلف ایجاد می کند. لذا، در حالی که واقع گرایانی چون مورگنتا، علت قدرت طلبی کشورها را ذات ناقص و معیوب انسان می دانند، نواقع گرایانی چون والتز، ساختار آنارشیک نظام بین الملل را مهم ترین عامل قلمداد می کنند که تجمیع و انباشت قدرت را به عنوان یک نیاز حیاتی بر کشورها دیکته و تحمیل می کند. بنابراین، به جای جستجوی علل و عوامل طبیعی و انسان قدرت طلب، باید در پی یافتن علل اجتماعی بود که رفتار کشورها را تحت تاثیر قرار می دهد. والتز این سازمان اجتماعی را آنارشی بین المللی می نامد. آنارشی به معنای بی نظمی و هرج و مرج بین المللی و عدم رفتار الگومند و همچنین به مثابه جنگ تمام عیار و مناقشه عریان و مستمر نیست؛ بلکه منظور از آنارشی، نوعی اصل نظام بخش و تنظیم کننده است که توضیح می دهد نظام بین الملل از واحدهای سیاسی مستقلى تشکیل شده است که فاقد یک اقتدار مرکزی حاکم بر آن هاست. به سخن دیگر، حاکمیت ذاتی و منحصر به کشورها است، چون هیچ مرجع حاکم بالاتر از کشورها و داور بی طرفی میان آنها وجود ندارد. در نظام بین الملل "هیچ حکومتی بر حکومت ها" وجود ندارد. پس آنارشی یعنی فقدان اقتدار عالی و حکومت مرکزی در نظام بین الملل. (Waltz, 1909: 24).

کشورهای آمریکا، ترکیه، عربستان، قطر، اردن، رژیم صهیونیستی و مجموعه ناتو از مهمترین بازیگرانی هستند که تلاش دارند حکومت اسد را سرنگون کنند و روسیه، چین، ایران، عراق نیز از جمله کشورهایی هستند که یا تمام قد پشت سر دولت سوریه ایستاده اند. چنان که روسیه با ۳ بار وتوی قطعنامه علیه سوریه در شورای امنیت نشان داد که تمام قد در کنار این کشور ایستاده، زیرا روسیه به خوبی می داند که اگر سوریه نیز مورد تاخت و تاز غرب قرار گیرد، در صحنه بازی تعریف شده برای این کشور جایی برای عرض اندام نخواهد بود و این موضوع برای مقامات روسیه به خصوص پوتین که به دنبال احیای امپراتوری شوروی به



شیوه‌ای جدید است، چندان خوشایند نیست.

دو نگاه نقش-محور در جهت‌گیری بازیگران منطقه‌ای نسبت به بحران سوریه وجود دارد. نخست، ایفای نقش بر محور "ثقل جغرافیایی" که بیشتر به نظریه رئالسیم کلاسیک نزدیک است و دوم، ایفای نقش بر محور "برداشت هویتی" از منافع و حس تهدید از نقش سایر بازیگران که بیشتر به نظریه سازه‌انگاری نزدیک است. (برزگر، ۱۳۹۲)

در این رویکرد ها آنچه مورد توجه این پژوهش می باشد، تبیین جایگاه ترکیه در مناقشات داعش در سوریه اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سیاست مداران این کشور در فرایند تقویت جبهه داعش در مناقشه سوریه است.

۱. سیری بر تئوری نو واقع گرایی

أ. جان میر شمیر

کنت والتز با انتشار کتاب "نظریه‌های سیاست بین‌الملل" در سال ۱۹۷۹، در جستجوی علل وقوع جنگ‌ها، این علل را بسیار سیستماتیک‌تر از نظرات کلاسیک نئورئالیستی می‌بیند. وی معتقد بود برای دست یافتن به یک نظریه پویا و قابل دوام در روابط بین‌الملل، نیاز به فهم این سه مورد داریم: الف) شناسایی واحدهای درون یک سیستم (پژوهی سیستم ب) مشخص نمودن و مقایسه وزن علل نظام مند در تغییر یک سیستم، و همچنین وزن زیر شاخه‌های سیستم در این تغییر ج) نشان دادن نیروهای تغییر در درون یک سیستم و همچنین مقایسه تاثیرات این تغییر، با سیستم و یا سیستم‌های دیگر. (نادری، ۱۳۸۹). نظریه کنت والتز (نئورئالیسم)، همان‌طور که در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل به وضوح آن را توضیح می‌دهد، تئوری سیاست خارجی نیست و علاوه بر این تلاشی مبنی بر تبیین اقدامات بخصوص دولت‌ها، از قبیل فروپاشی شوروی، نیست؛ بلکه این نظریه سعی دارد یکسری اصول کلی و عمومی در زمینه رفتارهایی که دولت‌ها در این محیط بی‌نظم بین‌المللی از خود بروز می‌دهند ارائه کند. (Waltz, 1959) از نظر والتز نظام بین‌الملل ساختار دقیقاً تعریف شده‌ای دارد که در آن



می باید به سه موضوع توجه شود: الف) - اصل نظم دهنده گی ب) - ویژگی واحد های موجود در نظام ج) - کیفیت توزیع توانایی واحد ها (قوام، ۱۳۸۴: ۸۹) در این ارتباط جان مر شایمر نظریه نئورئالیست تهاجمی واستفان والت نظریه نئورئالیسم تدافعی ورابرت جرویس نظریه نئورئالیسم انگیزشی را ارائه دادند. جان مر شایمر به تبیین دیدگاه والتز در روابط با گذشته و آینده می پردازد و اعلام می دارد که نو واقعگرایی دیدگاه کلانی است که می تواند نه تنها دوران جنگ سرد را تبیین کند، بلکه می تواند سایر شرایط تاریخی را نیز توضیح دهد. وی معتقد است که ثبات سیستم دوقطبی در برابر سیستم چند قطبی قابل ملاحظه است. و اینکه ماهیت و توزیع قدرت نظامی، منبع اصلی جنگ و صلح است، به طوریکه دوران طولانی صلح بین سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ را به وجود آورد. (جکسون، ۱۳۸۵: ۱۱۲-۱۱۸)

۲. سبیری تاریخی بر روابط ترکیه و سوریه

نخبگانی که بعد از تشکیل جمهوری ترکیه، بر آن حکومت می کردند در پی ملحق یاست پڑوی شدن به اروپا بودند، ولی با نگاهی به تاریخچه دفاع از رژیم صهیونیستی، خواهیم دید که به طور مثال قبل از فروپاشی شوروی و در دوران جنگ سرد، سه محور اصلی سیاست های آمریکا در منطقه عبارت بود از: تأمین امنیت اسرائیل، تضمین جریان صدور نفت و قطع نفوذ کمونیسم. بر همین اساس است که "ژوزف نای" اشاره دارد که پروژه آمریکا در خاورمیانه سه محور دارد: نظم، نفت، اسلحه. بنابراین در اینجا نظم به معنای برتری اسرائیل است که این نقطه کانونی در سیاست خاورمیانه آمریکاست (اکرمی نیا، ۱۳۹۰). از سویی سوریه از حیث جغرافیای سیاسی نیز ۷۰ کیلومتر مرز مشترک با رژیم صهیونیستی و ۳۵۰ کیلومتر مرز مشترک با لبنان دارد که باعث شده تا این کشور موقعیت ممتازی در این منطقه داشته باشد.

یاست پڑوی
دیدگاه
ترکیه در
مناقشات
معارضین
در
بحران
سوریه



حافظ اسد پس از رسیدن به قدرت، در عرصه های گوناگون، از جمله سیاست خارجی، اصلاحاتی کرد. وی در پی این بود که سوریه را از انزوای خارج سازد، به همین منظور مشی تنش زدایی در مناسبات خارجی را در پیش گرفت. او در آغاز کوشید با کشورهای منطقه مناسبات دوستانه برقرار کند و پس از آن، با هوشیاری و محافظه کاری، برای ایجاد رابطه با کشورهای غربی گام برداشت (جعفری، ۱۹۸۷: ۱۶۳) حافظ اسد در تعامل با اسرائیل دیدگاه متفاوتی داشت و تمام امکانات را برای مبارزه با آن بسیج نمود. وی به دنبال جبران شکست ۱۳۴۶ش/۱۹۶۷ و پس گرفتن ارتفاعات جولان بود و مذاکرات را در غیر این صورت، ناعادلانه می دانست (Kais, ۱۹۸۶). از این رو، در جنگ ۱۳۵۲ش/اکتبر ۱۹۷۳، با مصر متحد شد و ارتش سوریه را در پیروزیهای اولیه این جنگ شریک ساخت، اما در نهایت، با وساطت هنری کسینجر، وزیر خارجه امریکا، موافقت نامه آتش بس با اسرائیل را امضا کرد. (جعفری، ۱۹۸۷: ۳۹۹-۴۰۰)

با این حال، وی در اجلاس صلح ژنو که به ابتکار کسینجر در ۳۰ آذر و اول دی ۱۳۵۲/ ۲۱-۲۲ دسامبر ۱۹۷۳ تشکیل شد شرکت نکرد. (Jubin, ۲۰۰۶) پس از سفر انور سادات به اسرائیل در ۱۳۵۶ش/ نوامبر ۱۹۷۷، اسد در مخالفت با این اقدام، همراه با سران کشورهای لیبی، الجزایر و یمن جنوبی و یاسر عرفات (رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین)، در ۱۴ آذر ۱۳۵۶/ ۵ دسامبر ۱۹۷۷ جبهه پایداری را تشکیل داد (دکمجیان، ۱۹۸۵: ۱۱۴)

وی همواره بر اجرای دو قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت که بر خروج اسرائیلیها از سرزمین های اشغال شده و محقق ساختن صلح دلالت می کرد، به عنوان راه حل عمده برای پایان بخشیدن به منازعه اعراب و اسرائیل تأکید می کرد. (عادل، ۱۹۹۳: ۴۹۴-۴۹۵)

بر همین اساس از طرح صلح جورج بوش (رئیس جمهوری امریکا) در ۱۳۶۹ش/ مارس ۱۹۹۱ استقبال کرد و به جریان مشهور به فرایند صلح پیوست. در ادامه، نمایندگان سوریه در اجلاس مادرید در ۸ آبان ۱۳۷۰/ ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱، شرکت کردند، اما این مذاکرات به صلح ختم نشد؛ از نظر حافظ اسد، اسرائیل به دنبال صلح نبود (عادل، ۱۹۹۳: ۲۱۵). حافظ اسد در بیشتر موارد، با ایالات متحده امریکا مناسبات خوبی نداشت. روابط قطع شده سوریه و امریکا که



پیش از به قدرت رسیدن حافظ اسد رخ داد. بعد از جنگ ۱۳۵۲ش/۱۹۷۳ و با میانجیگری کسینجر اندکی بهبود یافت، اما انعقاد معاهده کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل با وساطت امریکا، باعث شد که حافظ اسد از امریکا روی برگرداند و بیش از گذشته به اتحاد جماهیر شوروی گرایش یابد. (جعفری، ۱۹۸۷، ۴۰۱)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حافظ اسد از معدود رهبران عرب بود که از این انقلاب استقبال کرد و مناسبات سوریه و جمهوری اسلامی ایران به سرعت توسعه یافت (۲۰۰۱، Hinnebusch) با تجاوز نیروهای عراقی به ایران و آغاز جنگ تحمیلی، حافظ اسد تجاوز عراق را محکوم و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد. وی این موضع را، به رغم تلاشهای بسیاری از سران عرب برای جدا کردن سوریه از ایران، تا پایان جنگ حفظ نمود. (Gray Reddish & Boucher & Shad, ۱۹۹۰)

از ویی تاریخچه مذاکرات ترکیه و سوریه در مورد حقوق خود نسبت به آب‌های مشترک، نشانگر ارتباط میان مسائل مربوط به آب با مباحثات بر سر امنیت مرزی و استرداد مخالفین سیاسی است که در بیانیه‌های مربوط بهخ ط مشی‌های دو کشور مشهود است. (یزدان پناه درو

و نامداری، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۱۶). همچنین اقدام ترکیه برای احداث سد بیرجیک مورد اعتراض عراق و سوریه قرار گرفت. از طرفی سوریه به دلیل اختلافات خود با ترکیه و روابط سردی که با این کشور طی چند دهه گذشته داشته، از برخی جنبش‌های سیاسی مخالف دولت آنکارا حمایت نموده است که سه گروه از مخالفان آنکارا یعنی گروه‌های رادیکال کرد و در رأس آن (ppk)، آسالا یا ارتش سری برای آزادی ارمنستان و رادیکال‌های ترک را شامل می‌شد (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۱-۶۳) علاوه بر همه این موارد، سازمان چپ‌گرای عربی مستقر در سوریه با چپ‌گرایان ترک که برخی از آنها در طول دهه ۱۹۶۰ به عملیات مسلحانه علیه آنکارا دست زده بودند، ارتباط داشتند و این خود بر دامنه تردیدهای ترک‌ها نسبت به نیات دمشق می‌افزود. (امامی، ۱۳۷۷: ۶۸۳) همزمان با نقش‌آفرینی هرچه بیشتر طیف نوپایاسلام‌گرایان یعنی

یاست‌پوشی
اینگاه
ترکیه در
مناقشات
معارضین
در بحران
سوریه



هر چند دو کشور سوریه و ترکیه در گذشته با یکدیگر مشکلات حاد و دیرینه داشته اند و ترکیه در تصمیم خود مبنی بر اتحاد با اسرائیل در اواسط دهه ۱۹۹۰، نیم نگاهی نیز به تضعیف سوریه داشته است، اما در سال های اخیر، ترکیه و سوریه به عقلانیتی عمل گرایانه رسیدند که مشکلات خود را برجسته نکنند و حتی بر کمرنگ بودن و بی اهمیت بودن اختلافات گذشته تأکید کنند. (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۹)

ب. رویکرد سیاسی سوریه در دوره بشار اسد

سوریه پس از تحولات منطقه خاورمیانه در پی یافتن راه هایی برای احیای نقش و تأثیرگذاری بیشتر بر معادلات منطقه ای است. از مواضع اخیر بشار اسد رئیس جمهور سوریه چنین استنباط می شود که دمشق در شرایط نوین منطقه می کوشد با تکیه بر موفقیت نظامی حزب ا... در جنگ با اسرائیل، فشارهای چند سال اخیر بر خود را کاهش دهد و با استفاده از فرصت به دست آمده، محدودیت های پیش روی خود را برای ایفای نقشی تازه در آینده لبنان و همچنین در تعامل با ایالات متحده و اسرائیل به حداقل رساند.

بشار اسد، اندکی پس از صدور قطعنامه ۱۷۰۱ و پایان جنگ بین حزب ا... و اسرائیل، در *یاست ژوبی* مصاحبه ای با خیالی و توهم انگیز خواندن طرح خاورمیانه جدید آمریکا، آن طرح را پس از موفقیت حزب ا... ناکام و شکست خورده نامید.

این مواضع بشار اسد که تنها چند روز پس از پایان درگیری ها در جمع اتحادیه روزنامه نگاران سوریه در دمشق ایراد شد، مبین آن بود که سوریه پس از تحمل سال ها فشار از جانب ایالات متحده و از دست دادن موقعیت و نفوذ خود در ساختار سیاسی لبنان و متعاقب آن خروج نیروهایش از خاک لبنان یعنی حیات خلوت دمشق، از شرایط جدید احساس شادمانی می کند (دهقانی، ۱۳۸۷).

از سویی در ابتدای امر، سیاست خارجی کشور ترکیه در برابر تحولات داخلی سوریه، تا حدود زیادی متفاوت به نظر می رسد. از همان روزهای نخست شروع اعتراضات مخالفان حکومت سوریه، دولت ترکیه حمایت از اپوزیسیون سوریه را آغاز کرد و ضمن ترغیب دولت



سوریه به انجام اصلاحات، در اغلب موارد موضع گیری های نسبتاً تندی در برابر نحوه ی برخورد با مخالفان اتخاذ کرد. از جمله اقدامات دولت ترکیه در همراهی با مخالفان دولت بشار اسد، می توان به پرپایی اردوگاه های پناهندگی برای مخالفان در داخل مرزهای خود با سوریه و برگزاری نشست سران مخالفان سوری در خاک ترکیه (شهر استانبول)، تحت عنوان "شورای آزادی بخش ملی سوریه" و تلاش های دیپلماتیک به منظور ترغیب سوریه به انجام اصلاحات دموکراتیک اشاره کرد. (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۴)

اسد با سپر بلا خواندن سوریه، از مواضع آمریکا در متهم کردن دمشق به حمایت از تروریسم و مداخله در مسائل کشورهای همسایه، به شدت انتقاد کرد. به طور کل سخنان بشار اسد در مصاحبه های اخیر خود بر سه محور اصلی استوار است: الف: رویارویی با دولت و ائتلاف حاکم بر لبنان ب: تمجید از مقاومت و بهره برداری سیاسی ج: توجه مجدد به مفهوم اتحاد عربی (امامی، ۱۳۷۷).

برای درک بیشتر اهمیت سوریه در منطقه ضروری است نگاهی به نشست چهار جانبه دمشق داشته باشیم؛ سفر رئیس جمهور فرانسه به سوریه و برگزاری نشست چهار جانبه دمشق با حضور نخست وزیر ترکیه و امیر قطر، از زوایای مختلف قابل بررسی و اهمیت است. هم زمان با تشکیل دولت وحدت ملی در لبنان و پایان کشمکش های سیاسی، سوریه پس از ۸ سال توقف مذاکرات با اسرائیل، تمایل خود را برای از سرگیری مذاکرات اعلام نمود. چهار دوره مذاکرات غیرمستقیم بین سوریه و اسرائیل، با میانجی گری ترکیه برگزار شده است.

(Middle East Online, ۲۰۰۸)

رهبری سوریه (بشار اسد) بر این نکته واقف است که در مذاکرات گذشته خود با اسرائیل، در قبال خواست خود مبنی بر خروج اسرائیل از بلندی های جولان، بایستی آمادگی ارائه امتیازاتی را داشته باشد. بشار اسد پیشنهاد ۶ ماده ای را از طریق ترکیه به اسرائیل ارائه داده است (دهقانی، ۱۳۸۷). از سویی ترکیه علی رغم روابط مطلوب با اسرائیل، روابط نزدیکی نیز با جهان عرب دارد. روابط دو جانبه با اسرائیل و اعراب نقش ویژه ای به ترکیه اعطاء نموده است.

ترکیه میانجی مذاکرات غیر مستقیم سوریه و اسرائیل بوده است. ترکیه خود نیز از این فرصت نهایت بهره را برده و به عنوان بازیگری کلیدی و تأثیرگذار در روند تحولات منطقه خاورمیانه،



بیش از گذشته شناخته شد. موفقیت ترکیه در دیپلماسی منطقه پر تنش خاورمیانه، به طور بالقوه جایگاه و موقعیت ترکیه را در نزد اروپا و آمریکا تقویت می‌سازد و می‌تواند در روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، کمک شایانی به آنکارا نماید. (Bbcnews, 2008)

ترکیه از نزدیک شدن ایران و سوریه که در دهه هشتاد میلادی (۶۰ شمسی) آغاز شده بود، احساس نگرانی می‌کرد؛ چرا که این دو کشور هر دو در منطقه شرق آناتولی تأثیرگذاری بالایی داشتند و این می‌توانست موجب برهم خوردن وضع داخلی ترکیه از آن ناحیه شود. در مقابل، اسرائیل به ترکیه به چشم یک پشتوانه (که می‌توانست در مواجهه با اعراب به آن تکیه کند) نگاه می‌کرد. اینها موجب شد که روابط ترکیه و اسرائیل دوره رشدی را شاهد باشد، اما به دلایل مختلفی این روابط در اواسط دهه هشتاد میلادی افول کرد. ولی در دهه نود میلادی و بعد از فروپاشی شوروی و خصوصا بعد از جریانات صلح خاورمیانه، مسیر برای بازسازی روابط تل‌آویو-آنکارا هموار شد. در آن زمان ترکیه سیاست موازنه بین اعراب و اسرائیل را در پیش گرفته بود و در همین راستا، به موازات عادی سازی روابط اسرائیل با برخی کشورهای عربی، ترکیه هم روابطش را با اسرائیل بهتر می‌کرد. روابط اسرائیل و ترکیه رو بهبود می‌رفت و تا حدی پیشرفت کرد که در فوریه ۱۹۹۶ میلادی با یکدیگر معاهده ای امنیتی و نظامی به امضا رساندند. هم پیمانی اسرائیل و ترکیه تأثیر بزرگی در وضع سوریه و منافع این کشور داشت. حالا یک بار دیگر، سوریه خودش را در محاصره می‌دید، چرا که حالا هم از جنوب (یعنی اسرائیل) و هم از شمال (یعنی از ترکیه ی هم پیمان اسرائیل) مورد تهدید بود. به عنوان مثال، درست بعد از امضای آن معاهده، دو هواپیمای اسرائیلی، با پرواز از پایگاه "شریف" ترکیه، بر روی شمال سوریه شروع به پروازهای شناسایی کردند.

سوریه نگرانی خود از نتایج این معاهده امنیتی را اعلام کرده و از ترکیه خواست در آن بازنگری کند. البته باید گفت در سال ۱۹۹۷ با به حکومت رسیدن نجم‌الدین اربکان [اسلامگرا] در ترکیه، وضع تغییر کرد؛ چرا که عمل به این معاهده امنیتی به تعلیق در آمد. (واکیم، ۲۰۱۱) بنابراین سیاست خارجی ترکیه و سوریه در قبال یکدیگر بسیار متغیر و پیچیده است که طیفی از میانجیگری و داوری و حتی تا آستانه جنگ پیش رفتن را شامل می‌شود.

تحولات پس از جنگ جهانی دوم، ترکیه و سوریه را به دو مسیر مختلف سوق داد)



رفیع، ۱۳۹۴). در همین زمینه می توان به عواملی همچون اختلافات دیرینه ترکیه و سوریه، خطر سوریه برای یکی از بزرگ ترین شرکا ترکیه یعنی اسرائیل و معمای امنیتی حاصل از تحولات منطقه برای ترکیه اشاره کرد که یقیناً نقش تاثیرگذاری بر مواضع ترکیه در قبال سوریه ایفا می کنند. در سابقه روابط میان دو کشور باید به این موضوع توجه نمود که ترکیه و سوریه از گذشته تا به حال در روابط دوجانبه خود با مشکلاتی مواجه بوده اند. در سوریه نخبگان سیاسی جدید در جهت برقراری روابط با شوروی حرکت کردند و تحت تاثیر افکار ملی گرایی عرب و کمونیسم قرار گرفتند در حالی که ترکیه با جدیت تمام در جهت عکس آن حرکت نمود و به عضویت کامل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در آمد. (واکیم، ۲۰۱۱)

برای تحلیل روابط ترکیه با سوریه در دوران جدید، به نظر می رسد که سیاست خارجی ترکیه در واقع ترکیبی از افزایش توازن قدرت و توازن امنیت برای ترکیه می باشد و بر این اساس آنکارا مجبور است نگاه ژئوپلیتیکی به بحران سوریه داشته باشد. در حقیقت ریشه این مسئله را باید در دو محور ژئوپلیتیک سیاست های ترکیه جستجو کرد که معتقد است اگر فشار اسد حفظ شود، موازنه ایران، عراق و سوریه از سویی دسترسی ترکیه به خاورمیانه را مشکل خواهد کرد. در حقیقت بر اساس نگاه ترک ها محیط جدیدی بعد از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ ایجاد شده است. در این محیط جدید دو همسایه عرب ترکیه یعنی عراق و سوریه در حوزه نفوذ ایران قرار دارند. این یک توسعه بی سابقه در کل تاریخ رقابت ترکیه و ایران می باشد. با توجه به این زنجیره اتحادی، ایران به طور موثر قدرت منطقه ای در مدیترانه شده است، ترکیه، ایران را به عنوان یک تهدید جدی امنیتی در منطقه نمی بیند؛ ولی آن را به عنوان یک رقیب می نگرد. بنابراین با مدنظر قرار دادن این واقعیت در متن رئالیستی جدید، ترکیه برای اعمال فشار بیشتر به سوریه و حداکثرسازی منافع خود به کردهای عراق نزدیک شدند. شمال عراق یک منطقه اقتصادی و یک بازار پر منفعت برای شرکت های ترکیه ای بخصوص در ساختمان سازی و تجاری می باشد. آنکارا بدینوسیله سعی نمود با حضور فعال در شمال عراق، کارت دمشق (جنبش کارگران کردستان) را خنثی سازد. (صولت، ۱۳۹۱)



برای بحث و بررسی رویکرد ترکیه به تقابل با سوریه بر اساس نظریه رئالیسم کلاسیک و تبیین جایگاه ترکیه در مناقشات داعش در سوریه در قالب نئورئالیسم، می توان به این نکته پی برد که چرا ترکیه و سوریه به دشمنان منطقه ای که در گذشته نیز سابقه اختلاف داشته اند، تبدیل شده اند. در جریان تغییر سیاست این دو کشور، می توان بروز نا آرامی ها را در سوریه در سال ۲۰۱۱ و عدم اجرای توصیه های اردوغان در خصوص آغاز اصلاحات در کشور سوریه توسط اسد دانست و بدیهی بود که ترکیه نتواند در قبال تحولات همسایه خود بی تفاوت باشد. زیرا از یک طرف این تحولات با دکتربین عثمانی گرایی جدید رهبران حزب عدالت و توسعه در تعارض بود و از طرف دیگر تحولات سوریه می توانست چالش هایی در برابر منافع ملی ترکیه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایجاد کند. ترکیه در خاورمیانه به دنبال سه عنصر معنوی، نفوذ اقتصادی و نفوذ سیاسی است. به همین دلیل محیط داخلی سوریه برای ترکیه اهمیت دارد و تاثیر گذار است. مساله کردها و چرخشی که در سوریه نسبت به کردها شده عاملی بود که اردوغان بر استمرار بیشتر خود بر سیاست مبتنی بر تغییر نظام در سوریه اقدام کند. (تقی پور و پاس، ۱۳۹۲)

یاست ژوپی نتیجه سیاست خارجی ترکیه در برابر بحران سوریه را می توان "پذیرش واقعیت" دانست که آنکارا را مجبور به تجدید نظر در سیاست های مداخله جویانه خود نموده است. ترکیه که تا یک قدمی جنگ با نظام بشار اسد پیش رفته بود، مجبور به عقب نشینی شد، مناسبات خود با گروه های کردی عراق را گسترش داد و فرآیند بحث برانگیز مذاکره با زندان ایمرالی را کلید زد، و سبب حیرت همگان شد. در واقع، عدم امکان پیش بینی قطعی روندهای آتی، ترکیه را به سمت خویشتن داری بیشتر در بحران سوریه سوق داده است، لذا وقوع بهار عربی بسیاری از اهداف جاه طلبانه ترکیه را تحت الشعاع خود قرار داد و روابط مطلوبی که ترکیه به ابتکار خویش با نظام های اقتدارگرای عربی برقرار نموده بود به چالش کشیده شد، که بارزترین مصداق آن مورد سوریه و تشدید تنش های داخلی در این کشور همسایه بود (یزدان پناه، ۱۳۹۲)



در مجموع پاسخ ها و واکنش های ترکیه به بحران سوریه از شروع آن (مارس ۲۰۱۱) تاکنون را می توان به هفت مرحله اساسی تقسیم نمود که شش مرحله را مورد آزمون قرار داده و هم اکنون در مرحله هفتم قرار دارد. این مواضع عبارتند از: مرحله اول، محرکه های سیاسی شامل موضع حفظ وضع موجود؛ مرحله دوم، شامل اجبار اقتصادی و موضع درگیری محتاطانه؛ مرحله سوم، اولین تهدید نظامی شامل موضع درگیری کامل؛ مرحله چهارم، تهدید به استفاده از اهرم ناتو شامل موضع احساس نیاز به متحدین؛ مرحله پنجم، درخواست مداخله نظامی شامل موضع احساس نیاز به همراهی بین المللی؛ مرحله ششم، جستجو برای یافتن راه حل های دیگر شامل موضع احساس نیاز به همکاری با همسایگان و مرحله هفتم، موضع همکاری نزدیک با هژمون جهانی و تجدید قوای داخلی. با وجود تردیدها و فشارهایی که در مورد شکست ترکیه به وجود آمده بود، این کشور قبل از توافق میان روسیه، ایران و ترکیه در نشست سوچی (نوامبر ۲۰۱۷) در درباره وضعیت سوریه در دوره پسا داعش، می رفت که با گام هایی مستحکم آمریکا را برای ورود مستقیم به حمله سوریه، تحریک کند، از جمله بحث سلاح های شیمیایی و بحث مداخله اسرائیل راهی بوده است که ترکیه سعی کرده بر اساس آن به اهداف خود در سوریه دست پیدا کند. (صالحی، ۱۳۹۲) در این نشست های ۳ جانبه ترکیه با تغییر موضع تند خود، بر حفظ وحدت، یکپارچگی و حاکمیت سوریه تاکید کرد. در این پژوهش سه مؤلفه نیز در خصوص سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه از منظر مدیریت بحران می توان مطرح کرد: اول، اقدام آگاهانه ترکیه نسبت به تحولات سوریه؛ دوم، بحث هویت و دیدگاه اخوانی حزب عدالت و توسعه و سوم، حرکت ترکیه در راستای منافع بلند مدت. در حقیقت ترکیه منافع آنی و زودگذر که بحث اقتصادی و بازار سوریه بود را در کوتاه مدت به فراموشی سپرد. (تقی پور و پاس، ۱۳۹۲)

أ. رویکرد امنیتی ترکیه در بحران سوریه

بحران سوریه معادله چند مجهولی است و حل این بحران با اجماع تمام قدرت های دخیل امکانپذیر است، لذا اوباما رییس جمهور سابق آمریکا، ناچار شد که در سیاست خارجی نسبت به ایران و سوریه به نوعی تعادل سازی کند. ایران پتانسیل های زیادی



برای فایق آمدن بر مشکلات داخلی سوریه دارد. لذا، پذیرش مشروط طرح ایران، به نوعی تاییدگر سیاست های نادرست قبلی مبنی بر حمایت از معارضین سوری و تئوری ایجاد خشونت بود (احمدزاده، ۱۳۹۴)

اردوغان مایل است در سوریه حکومتی اسلامی مشابه مدل اسلامی سکولار و لیبرال ترکیه برقرار سازد که در آن دیگر نگران مسائل مهم مورد اختلاف با حکومت اسد نباشد و حتی بتواند رژیم بعدی سوریه را از نظر ایدئولوژیک به خود وابسته کرده و در این راستا امنیت ورود انرژی از کشورهای عربی از طریق خاک سوریه به ترکیه را تامین نماید.

اردوغان بر اساس نگرش نوعثمانی خویش، همانگونه که سوریه را ملک انحصاری ترکیه می داند عراق را نیز میراث امپراتوری عثمانی قلمداد می نماید. به این ترتیب زمانی که سیاست خارجی ترکیه نتوانست ابتکار عمل تشکیل دولت در عراق را به دست گیرد، لحن گفتگوی وی نیز با همتای عراقی اش تغییر کرد و منجر به این شد که حتی دولت عراق، ترکیه را متهم می کند که در امور داخلی اش مداخله می کند و حاکمیت ملی اش را زیر پا گذاشته است. به عنوان مثال احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه بدون هماهنگی با دولت عراق وارد اقلیم کردستان شد و در کرکوک با مسعود بارزانی دیدار و گفتگو کرد و یا مجلس ترکیه به طارق الهاشمی، معاون سابق رئیس جمهور عراق که از سوی دادگاه عالی عراق به جرم

سیاست ژوئیه دخالت در انفجارهای این کشور تحت تعقیب است، پناه داد (رفیع، ۱۳۹۴)

حتی دولت عراق معتقد است برخی از کارمندان شرکت های ترک که در این کشور مشغول به کارند افسران سرویس امنیتی ترکیه هستند که در پوشش این شرکت ها به فعالیت های اطلاعاتی و امنیتی می پردازند، که نتیجه چنین رویکرد در سیاست خارجی اردوغان، پایانی است بر سیاست معروف "صفر کردن مشکلات با همسایگان" که اکنون همگی با ترکیه دچار بحران شده اند. ترکیه دیگر در فاصله مساوی با طرفین بحران های منطقه ای قرار ندارد (قادری، ۱۳۹۱).

تنش با همسایگان، تاثیرات سوء امنیتی نیز برای ترکیه به همراه آورده است. آنکارا، سوریه و حتی ایران را متهم می کند که از شورشیان کرد این کشور حمایت می کنند. اینکه این ادعا تا چه اندازه صحیح است اهمیت زیادی ندارد، آنچه واقعیت دارد این است که نا امنی های



جنوب این کشور در مقایسه با یک سال گذشته چند برابر شده است و حتی این خطر وجود دارد که حملات شورشیان، شهرهای بزرگ این کشور را نیز در برگیرد. (سیفی، ۱۳۹۱)

در این رویکرد سوریه، ترکیه با اتخاذ سیاست حفظ وضع موجود در قبال تحولات کشورهای نظیر بحرین و یمن، همسو با سیاست های شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای غربی، به شیوه زیرکانه ایدرصدد کاستن میزان نفوذ و قدرت مانور منطقه ای ایران، یکی دیگر از رقبای منطقه ای خود است تا در پرتو تضعیف مصر و کنترل ایران، نقش پر رنگتری را در تحولات منطقه بر عهده گیرد (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۰) در همین راستا، سامانه دفاع موشکی پاتریوت با هدف دفاع در مقابل تهدیدات هوایی از جانب سوریه در مرزهای جنوبی این کشور مستقر گردید که به عقیده بسیاری ناامنی بیشتری را در منطقه سبب می شود (یزدان پناه درو و نامداری، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۱۶)

بازی سوریه با کارت جنبش کارگران کردستان (پ.ک.ک) در مرزهای ترکیه سبب شده است که ترکیه تحولات سوریه را به دقت زیر نظر بگیرد. این مثلث و محدود شدن دسترسی ترکیه به خاورمیانه باعث شد، ترکیه از یک سو با اتحادیه عرب و از سوی دیگر با کشورهای غربی اروپایی و آمریکایی همکاری نموده تا از این طریق سوریه را مجازات نماید، بنابراین به نظر میرسد، در بحران شدید ترکیه و سوریه، ترکیه به نقطه ای رسیده است که دیگر نمی تواند نقش یکداور بی طرف در سیاست های منطقه را حفظ کند و به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک خود ناچار از حمایت از سقوط بشار اسد است (صولت، ۱۳۹۱)

با مدنظر قرار دادن این واقعیت در متن رئالیستی جدید، ترکیه برای اعمال فشار بیشتر به سوریه و حداکثرسازی منافع خود به کردهای عراق نزدیک شده است. آنکارا بدینوسیله سعی نمود با حضور فعال در شمال عراق، کارت دمشق (جنبش کارگران کردستان) را خنثی سازد. (صولت، ۱۳۹۱)

برای ارزیابی اهداف ترکیه از این رویکرد، تقریباً می توان این ادعا را داشت که ترکیه در برخی اهداف و استراتژی های خود در عرصه ی سیاست خارجی شکست خورده است. ترکیه در استراتژی پیوستن به اتحادیه اروپا با موانع جدی روبرو شد و نتوانست به این اتحادیه بپیوندد. همچنین ترکیه در تقویت و شکل دهی جریان اخوانی در منطقه با کمک دوستان خود



نظیر قطر، حماس و محمد مرسی در مصر نتوانست به هدف خود برسد و سقوط محمد مرسی، متحد استراتژیترکیه و رجب طیب اردوغان، کمر این استراتژی ترکیه در منطقه را شکست. از طرف دیگر تمام تلاش های ترکیه برای ساقط کردن نظام سیاسی سوریه ناتوان ماند و بشار اسد همچنان در سوریه ماندگار شده است. همچنین ترکیه نتوانست علی رغم تمام برنامه ریزی ها در عراق، دولتی همسو با سیاست های خود در عراق به روی کار آورد و اوضاع به نفع ترکیه رقم نخورد. از این منظر ترکیه هر چقدر تلاش کند، شکست های منطقه ای و فرا منطقه ای او بیشتر می شود. بحران امنیت در عراق و سوریه و حضور بازیگر جدیدی به نام داعش، در منطقه به عنوان ابزار ی مورد استفاده ترکیه برای اعمال فشار بر رژیم بشار اسد، قرار گرفت. لذا به نظر می رسد تنها کشوری که از حضور داعش در منطق سود می برد؛ ترکیه بود. هر چند منابع خبری از ارتباطات این دو با هم خبر می دهند. داعش هم ترکیه را به اهداف خود می رساند و هم تمامی شکست های قبلی را جبران می کرد. (دیدبان، ۱۳۹۳) اما با شکست داعش، دولت ترکیه در این استراتژی نیز نتوانست موفق عمل نماید.

ب. رویکرد سیاسی ترکیه در بحران سوریه

در رابطه سیاست خارجی ترکیه در سوریه، دو سناریو را می توان برای نقش ترکیه در حمایت از معارضان متصور شد. یکی تقویت عثمانی گرایی جدید و دیگری گسترش

یاست ژوبی
دمکراسی خواهی (سلیمانی، ۱۳۹۱)

در چارچوب این سناریو، هدف دولت ترکیه در حمایت از معارضان و سقوط نظام سوریه، تشکیل دولتی متشکل از جمعیت غالب این کشور یعنی اهل تسنن است که در حال حاضر بخش مهمی از مناصب سیاسی و امنیتی در سوریه در دست علویان می باشد. اهمیت این مساله زمانی دو چندان می شود که بدانیم حزب عدالت و توسعه در ترکیه مدعی اسلام گرایی و اصول گرایی سنی است و سقوط نظام سوریه به معنای حضور اکثریت سنی این کشور در راس حاکمیت سیاسی است (سلیمانی، ۱۳۹۱)

چالش مهم ترکیه در اجرای سیاست حمایت از معارضان این است که، موضع این کشور را در مقابل جمهوری اسلامی ایران همسایه نزدیک ترکیه قرار داده که مخالف هرگونه دخالت

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۱



خارجی در سوریه می باشد.

ترکیه خود را کشوری دموکراتیک می داند و از نظر این کشور استقرار دموکراسی در سوریه شبیه آنچه در عراق بعد از صدام اتفاق افتاد و البته شاید با تمرکز بیشتر می تواند، زمینه امنیت بیشتر را در مرزهای مشترک دو کشور فراهم کند. به ویژه از جانب اقلیت قومی مشترک هر دو کشور یعنی کردها که در طول سال های پس از استقرار ترکیه نوین مهم ترین مساله برای دولتمردان این کشور بوده است (سلیمانی، ۱۳۹۱).

همچنین در زمان برگزاری کنفرانس ژنو یک، بیشترین حمایت ها از جنبه های مختلف نظامی و مالی از سوی کشورهایمانند قطر، عربستان و ترکیه به همراه برخی کشورهای خارج از منطقه مانند فرانسه، آمریکا و انگلیس از عناصر مسلح در سوریه صورت می گرفت. ترکیه نیز که به دنبال حمایت های گسترده از عناصر مسلح با مخالفت های شدید داخلی، برخی انفجارها در شهرهای مرزیو انتقادهای بین المللی و منطقه ای به علت تردد عناصر مسلح مواجه شده بود، تلاش کرد سیاستقبلی خود را در حمایت از عناصر مسلح تغییر دهد.

بنابراین، ترکیه در رابطه با گروه های تروریستی داعش و جبهه النصره رویکرد دوگانه ای را در پیش گرفت، حملات کور هوایی به برخی از مواضع داعش در سوریه و عراق و تمرکز بیشتر برای تضعیف گروههای کرد در دستیابی به موضع برتر در تحولات سوریه بعد از آزادسازی کوبانینمونه ای از سیاست های فریبکارانه آنکار بوده است. (احمدزاده، ۱۳۹۴) در این میان، تغییر استراتژی آمریکا با رگه های واقع بینی هم همراه شده؛ هرچند تلاش می شود که از شخص بشار اسد بر سر ماندن در قدرت در دوره انتقالی صحبت نشود و فقط بر حفظ بخشی از ساختار قدرت فعلی دولت تاکید گردد. با اینوجود، تصور سوریه بدون بشار اسد و استیلای داعش بر سوریه و منطقه همچنان کابوس دردناکی برای دولتمردان کاخ سفید و قاره سبز به شمار می رفت. (احمدزاده، ۱۳۹۴)

ترکیه در این ارتباط پیش گام بود و علاوه بر ترانزیت عناصر مسلح از کشورهای مختلف به سوریه در طول ۸۵۰ کیلومتر مرز مشترک پایگاه هایی را نیز در اختیار این عناصر گذاشته بود و شماری از فرماندهان تشکل های مسلح که در سوریه فعال بودند از این پایگاه ها امور را هدایت میکردند. دوره های آموزشی این عناصر نیز در ترکیه سپری می شد و حتی برخی از



زخمی‌های مسلح در جریان درگیری‌ها به این کشور منتقل می‌شدند تا مداوا شوند. در این میان، تنش در روابط مسکو و آنکارا و ریاض بر سر چگونگی سرانجام بحران و ساختار آینده نظام سیاسی سوریه پس از مواضع تند پوتین رهبر کرملین علیه رهبران ترکیه و عربستان با گفتگوهای مقامات طرفین تا حدودی فروکش کرد. روسیه تهدید کرده بود که در صورت ادامه حمایت این کشورها از گروه‌های تکفیری به ویژه داعش و جبهه النصره با ارایه طرح پیشنهادی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، در محکومیت این اقدامات مداخله گریانه تلاش خواهد کرد (احمدزاده، ۱۳۹۴).

از دیگر سو؛ استقلال عمل کردهای سوری و عدم پیوستن به جریان‌های سلفی تندرو و نیز افزایش شکاف میان ترکیه آزاد و جبهه تروریستی النصره و داعش در ادامه نبرد با نیروهای دولتی نگرانی‌های دولت‌های غربی و عربی ضد دولت بشار اسد را دو چندان ساخت. این تغییر و تحولات در عرصه نظامی و سیاسی سوریه باعث تغییر برخی از استراتژی‌ها از سوی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در برخورد با دولت بشار اسد شد. (احمدزاده، ۱۳۹۴)

ترکیه در رابطه با گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره رویکرد دوگانه‌ای را در پیش گرفته بود، حملات کور هوایی به برخی از مواضع داعش در سوریه و عراق و تمرکز بیشتر برای تضعیف گروه‌های کرد در دستیابی به موضع برتر در تحولات سوریه بعد از آزادسازی

یاست ژوبی کوبانینمونه‌ای از سیاست‌های فربیکارانه آنکارا بوده است (احمدزاده، ۱۳۹۴)

در واقع، دولت ترکیه از یک سو امید داشت در بین گروه‌های معارض سوری پس از اسد محبوبیت قابل ملاحظه‌ای کسب کند. ارتباط نزدیک گروه‌های معارض با ترکیه زمینه را برایش آفرینی بیشتر این کشور در سوریه فراهم کرده بود. ترکیه به دنبال این بود که با توجه به تشابه وضعیت سوریه با عراق به لحاظ شکاف‌های اجتماعی موجود، نظام آتی سوریه الگویی شبیه سیستم فدرالی عراق پیدا کند. بدین ترتیب پتانسیل بالقوه تهدید از جانب کردهای سوریه تا حدودی مدیریت شود. از سوی دیگر ترکیه امیدوار است در آینده سوریه، به لحاظ سرمایه‌گذاری اقتصادی با توجه به تخریب زیرساخت‌های این کشور به دلیل جنگ داخلی حضور پررنگی داشته باشد (سلیمانی، ۱۳۹۱).

ج. رویکرد اقتصادی ترکیه در بحران سوریه



دولت جدید ترکیه در کنار توجه به عناصر معنایی قدرت، از عناصر مادی قدرت نیز غافل نشده است؛ بلکه شاهد افزایش تلاشها برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، ایفای نقش فعال در قالب ناتو و حتی استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه و همچنین نفوذ اقتصادی بیشتر ترکیه در کشورهای منطقه، بوده ایم، لذا یکی دیگر از عوامل سیاست ترکیه در قبال منطقه به خصوص سیاست فراگیر نو عثمانی، رقابت بر سر خطوط لوله نفت و گاز و انرژی در منطقه است. در این رویکرد جدید، در بعد ژئوپلیتیک نیز ترکیه مایل نیست فرصت ایجاد سیستم حمل و نقل و ترانزیت انرژی را از دست دهد. در این خصوص به نظر می رسد، در عین حال سیاست گذاری ترکیه در حوزه انرژی نیز مشکلات خاص خویش را دارد که می توان به افزایش وابستگی به یک منبع خارجی مثل روسیه اشاره کرد. علاوه بر این، خصوصی سازی شرکت ملی نفت ترکیه که با مخالفت جدی احزاب مخالف ترکیه روبرو شده است. با توجه به روند رو به رشد ترکیه، مصرف انرژی در این کشور افزایش خواهد یافت و ترکیه مجبور است انرژی مورد نیاز خود را از منابع قابل اعتماد ارزان و مطمئن و متنوع فراهم کند (شکری، ۱۳۹۴)

ترکیه نشان داده است در منطقه بیشتر دنبال اهداف اقتصادی و تجاری است و از دنبال کردن سیاست های حساسیت برانگیز سیاسی و امنیتی پرهیز می کند. همین امر باعث شده است اعتماد دیگر کشورها را بتواند به خوبی جلب کند. انعقاد موافقت نامه ۴۸ و ۴۰ تجاری با سوریه و عراق در یک هفته نشان دهنده اهمیت اقتصاد سیاسی سیاست خارجی ترکیه است. (شکوهی، ۱۳۹۰) بنابراین یکی دیگر از عوامل سیاست ترکیه در قبال سوریه، رقابت بر سر خطوط لوله نفت و گاز و انرژی در منطقه است. سه کشور ایران، عراق و سوریه در سال ۲۰۱۱ پیمان انتقال نفت و گاز ایران و عراق از طریق سوریه به سواحل مدیترانه شرقی و صدور آن به اروپا را امضاء نمودند. یکی از سیاست های ترکیه در قبال سوریه مقابله با این طرح است.

بر اساس طرح مزبور، خطوط لوله انتقال انرژی ایران و عراق به سوریه و یونان احداث



خواهد شد. در صورت اجرای این طرح، اهمیت و موقعیت سوریه به عنوان گذرگاه عبور نفت و گاز منطقه به اروپا افزایش خواهد یافت. اجرای این طرح افزایش حجم نفت و گاز صادراتی منطقه از طریق سوریه، بیش از حجم صادرات از طریق ترکیه را رقم خواهد زد، لذا ترکیه در حال پیشگیری از تحقق آن است، زیرا صدور انرژی از طریق سوریه خلاف منافع ملی ترکیه محسوب می شود. با وجود اینکه شرکت های ترک بی شماری در صحنه اقتصادی عراق فعال هستند اما روابط سیاسی دو کشور به شدت در حال تیره شدن است. (رفیع، ۱۳۹۴)

نتیجه گیری

در این تحقیق با بررسی سیر سیاست خارجی ترکیه نسبت به سوریه در دوره حافظ اسد و بشار، به جایگاه این کشور در بحران ها و تحولات منطقه پرداخته شد. تلاش دولت ترکیه در بازگشت به دوران امپراطوری عثمانی و توسعه نفوذ خود در کشورهای مسلمان سنی مذهب باعث پیچیدگی این بحران سیاسی و امنیتی شده است که بعد از جنبش بهار عربی یا بیداری اسلامی در سوریه رخ داده است. در این راستا با توسعه نظامی گروه های معارضی همچون داعش و جبهه النصره و ارتش آزاد در خاک سوریه، دولت ترکیه این مسئله را فرصتی تاریخی تلقی کرد تا نفوذ سیاسی خود را برای سقوط دولت بشار اسد و تشکیل دولتی نزدیک به سیاستهای ترکیه و در نتیجه نفوذ ترکیه در منطقه و مناقشات فلسطین و لبنان، افزایش دهد و نقش جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یک کشور رقیب اسلامی در منطقه کم رنگ نماید.

از سویی دولت سوریه در قبال جریان کردها، همواره سیاست مسامحه داشته و طی بحران سوریه، این گروه توانسته اند مناطقی از خاک سوریه و بخشی از عراق را در کنترل بگیرند. این موضوع هشدار برای ترکیه در مدیریت کردهای این کشور و کنترل آنها به شمار می رفت. به همین خاطر، ترکیه به آتش باران کردهای سوریه در خاک سوریه جهت «ایمن سازی مرزهای جنوبی ترکیه» و به اصطلاح پاکسازی از تروریست ها (شبه نظامیان کرد) اقدام کرد. ترکیه نمی خواهد هزینه ای را که در قبال کوتاهی سیاسی و اجازه شکل گیری منطقه خودمختار کردستان

یاست ژوبی

دوره چهارم، شماره هفتم، پیاپی ۳۹۱



عراق متحمل شد را تکرار کند؛ بنابراین ترکیه تلاش دارد طی بحران سوریه بخشی از خاک کردهای سوری را در راستای توسعه جایگاه امنیتی خود در منطقه، تسخیر نماید.

این پژوهش با توجه به بررسی جایگاه ترکیه در مناقشات متعارضین در سوریه به بررسی جایگاه سیاسی، امنیتی و اقتصادی ترکیه در مناقشه و بحران سوریه پرداختیم. چنان که این مطالعه به بررسی تصمیم گیری آنکارا در بحران سوریه، بهره گیری از حمایت های غرب از طریق توان بخشی به نیروهای معارض و گروه های تروریسم در دو رویکرد داخلی و خارجی به راهبردهای سیاسی-نظامی پرداخته شد.

بنابر آنچه در خصوص سیاست های (نوعثمانی گرای) در ترکیه گفته شد، ریشه ی چالش های پیشروی دولت ترکیه در عرصه ی بین المللی را می توان در سیاست های نو عثمانی گرای حزب عدالت و توسعه جستجو کرد. این استراتژی جدید، دولت ترکیه را همزمان در برابر مواضع پیچیده و بحران زایی قرار داد.

اصلی ترین راهبرد ترکیه در بحران کنونی سوریه را بایستی افزایش نقش این کشور در معادلات منطقه ای و کسب وجه های مردمی دانست. با گره خوردن معادلات در سوریه و بقای اسد در قدرت، بحرانی که پیش بینمی شد با سقوط رژیم حاکم پایان پذیرد، چنان استمرار یافت که برخی حامیان مخالفان سوری چون ترکیه نیز منافع و امنیت ملی خود را در معرض خطر دیدند. لذا، عدم توانایی بر کنترل اوضاع امنیتی از سوی بازیگران دخیل در بحران، مقامات ترک را به عقب نشینی از مواضع خود واداشت و برخلاف دیگر حامیان گروه های مسلح، به حل مسالمت آمیز و راهکار سیاسی برای پایان دادن به بحران بویژه با همکاری ایران و روسیه قائل شدند. همچنین، دولتمردان ترک با بازیگری در تحولات منطقه قصد دارند، این موضوع را به مقامات اتحادیه اروپا القاء نمایند که ترکیه اهرم مناسب جهت تأثیرگذاری بر مسائل منطقه است.

روابط دو کشور همواره متأثر از چند عامل زیر بوده است:

۱. کردها و ادعای ترکیه نسبت به حمایت سوریه از اعضا و رهبران پ ک ک و انجام

تمرین های نظامی آنها در داخل خاک سوریه؛



۲. مسأله آب و تقسیم منابع آبی فرات که از ترکیه سرچشمه گرفته و به سوریه میریزد؛

۳. اختلافات بر سر استان هاتای (اسکندرون).

آنچه در روند کنونی سیاست‌های ترکیه و روابط با سوریه قابل فهم است، این نکته می باشد که کشور ترکیه از دیر باز خواهان بازگشت به دوران پر شکوه عثمانی و افزایش قدرت خود به عنوان دولت برتر منطقه بوده است.

فهرست منابع:

الف. منابع فارسی

۱. احمدزاده، داود. (۱۳۹۴). "بحران سیاسی سوریه و آرایش جدید نیروهای منطقه ای". *روزنامه صبح ایران-خراسان-رصد*، ۲۵ مردادماه.
۲. اکرمی‌نیا، محمد. (۱۳۹۰). "چرا سوریه برای آمریکا مهم است؟"، <http://www.farsi.khamenei.ir/others-note?id=12870>
۳. امامی، محمدعلی. (۱۳۷۷). "بررسی سیر روابط ترکیه و سوریه". *مجله سیاست خارجی*، شماره ۳، پائیز.
۴. برزگر، کیهان. (۱۳۹۲). "نقش بازیگران منطقه ای در بحران سوریه". ۱۱ تیر، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1917923/>
۵. بیات، ناصر. (۱۳۹۰). نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه. *فصلنامه رهنامه سیاست‌پژوهی*، شماره دوم، تابستان.
۶. تقی پور، سحر و الهام السادات پاس. (۱۳۹۲). "بازخوانی بحران سوریه تا کنون و دلایل تغییر مواضع ترکیه در قبال سوریه". *پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه*، ۱۸ خرداد ماه.
۷. جعفری، بشار. (۱۹۸۷). *السیاسه الخارجیه السوریه ۱۹۴۶-۱۹۸۲*، دمشق.
۸. جکسون، رابرت و گئوک سورنسون. (۱۳۸۵). در آمدی بر روابط بین الملل. ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: میزان.
۹. چگینی زاده، غلامعلی و بهزاد خوش اندام. (۱۳۸۹). "تعامل و تقابل غربگرایی و پیرامون گرایی در سیاست خارجی ترکیه". *فصلنامه راهبرد*. سال نوزدهم، شماره ۵۵.
۱۰. دکمچیان، ریچارد هرایر. (۱۹۸۵). *اسلام در انقلاب، بنیادگرایی در جهان عرب*. ترجمه حمیداحمدی، تهران: انتشارات کیهان.



۱۱. دهقانی، محمود. (۱۳۸۷). *موقعیت منطقه‌ای سوریه و نشست چهار جانبه دمشق*. معاونت پژوهش های سیاست خارجی / گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، شهریور ماه.
۱۲. رفیع، محسن. (۱۳۹۴). "بررسی روابط ترکیه - سوریه: از آغاز تا کنون، به صد رسیدن تنش". *هفته نامه اقتصاد ملی*. چهارشنبه ۴ آذر ماه.
۱۳. سلیمانی، غلامعلی. (۱۳۹۱). "رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه". پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه. ۱۲ دی ماه.
۱۴. شکری، امید. (۱۳۹۴). "انرژی پاشنه آشیل اقتصاد ترکیه". *دیپلماسی ایرانی*. ۱۶ فروردین، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1946114/>
۱۵. شکوهی، سعید. (۱۳۹۰). عوامل قدرت یابی ترکیه در منطقه خاورمیانه. مرکز بین المللی مطالعات صلح، ۱۶ فروردین، <http://peace-ipsc.org/fa/> عوامل-قدرت-یابی-ترکیه-در-منطقه-خاورمیا/
۱۶. صالحی، جواد. (۱۳۹۲). "بازخوانی بحران سوریه تا کنون و دلایل تغییر مواضع ترکیه در قبال سوریه". *نشست پژوهشکده مطالعات خاورمیانه*.
۱۷. صولت، رضا. (۱۳۹۱). "دلایل بحران در روابط ترکیه با سوریه". مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر. تهران، ۲۴ مرداد.
۱۸. صولت، رضا. (۱۳۹۱). *ساختار سیاسی ترکیه و روند تصمیم گیری سیاست خارجی*. تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۹. عادل، حافظ. (۱۹۹۳). حافظ‌الاسد: قائد و امه، دمشق.
۲۰. قادری، علی. (۱۳۹۱). "بررسی ریشه های اختلاف اسد و اردوغان". *روزنامه عصر ایران*، ۱۸ مهر
۲۱. قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). *روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها*. تهران: سمت.
۲۲. کوزه‌گر کالجی، ولی. (۱۳۹۰). "ترکیه و تحولات خاورمیانه". *آفتاب‌نیوز*، ۸ مرداد ماه، <http://www.aftabnews.ir/vdcfydyvw6dmva.igiw.htm>
۲۳. نادری احمد. "پارادایم های انسان شناسی بین الملل (۴): نئو رئالیسم و نئولبرالیسم"، <http://www.anthropology.ir/node/79>
۲۴. "نقش مبهم ترکیه در بحران های منطقه! بررسی نقش همسایه بلند پرواز ایران در غرب آسیا". دیدبان. ۷ آبان ماه، <http://www.didban.ir/fa/news-details/19343/>
۲۵. نواعظی، محمود. (۱۳۸۷). "روابط ترکیه و سوریه: از تعارض تا تعامل". مرکز تحقیقات استراتژیک. شماره ۱۹.



۲۶. واکیم، جمال. (۲۰۱۱). "نبرد قدرت های بزرگ بر سر سوریه". رجا نیوز،

<http://www.rajanews.com/news/123541>

۲۷. یزدان پناه درو، کیومرث و محمد مهدی نامداری. (۱۳۹۲). "بحران سوریه؛ با تأکید بر رویکردنظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور". *دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*. سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲.

۲۸. یزدان پناه، محمد. (۱۳۹۲). "بازخوانی نقش ترکیه در بحران فراگیر منطقه‌ای؛ هفت استراتژی ترکیه در سوریه". *گروه بین‌الملل برهان*، اولین نشست تخصصی اندیشکده‌ی برهان، ۱۹ اردیبهشت ماه.

ب. منابع لاتین

29. "Assad Sends Israel Proposals for Direct Talks". (2008). *Middle East Online*. Sep 4.

30. Hinnebusch, R.(2001). *Syria: Revolution from Above*. (London and New York: Routledge).

31. "Turkish PM in Syria". *bbcnews.com*. Sep 5 2008.

32. Waltz, Kenneth.(1959). *Man, the State, and War*.New York: Columbia University Press .had. Tahir, &Boucher.

33. Steven, & Gray Reddish. Jennifer. (1995). "Syrian foreign policy in the post-Soviet era", *Arab Studies Quarterly*. Vol. 17, No.1,

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



۱۰۲

